

واترگیت

- 
- عنوان و نام پدیدآور: واترگیت/ ویراسته الکساندر کرودن؛ ترجمه فاطمه شاداب.  
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۴۰۱.  
مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.  
فروست: چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان؛ ۹.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۴۴۰-۸.  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا  
یادداشت: عنوان اصلی: Perspectives modern world history Watergate  
موضوع: واترگیت، ۱۹۷۲-۱۹۷۴ م.  
موضوع: Watergate Affair, 1972-1974  
موضوع: فساد سیاسی — ایالات متحده — تاریخ — قرن ۲۰ م.  
موضوع: Political corruption -- United States -- History -- 20th century  
موضوع: ایالات متحده — سیاست و حکومت — ۱۹۶۹-۱۹۷۴ م.  
موضوع: United States -- Politics and government -- 1969-1974  
شناسه افزوده: کرودن، الکس، ویراستار  
شناسه افزوده: Cruden, Alex  
شناسه افزوده: شاداب، فاطمه، ۱۳۴۶-، مترجم  
رده‌بندی کنگره: E۸۶۰  
رده‌بندی دیویی: ۳۶۴/۱۳۲۰۹۷۳  
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۹۳۷۷۸۹
-

چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان - ۹

# واترگیت

ویراستهٔ الکساندر کرودن

ترجمهٔ فاطمه شاداب



این کتاب ترجمه‌ای است از:

*Perspectives on Modern World History*

*Watergate*

Alexander Cruden (Editor)

Greenhaven Press, 2012



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۸۶۴۰ ۸۶۴۰ ۶۶۴۰

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

\*\*\*

ویراسته‌الکساندر کرودن

واترگیت

ترجمه فاطمه شاداب

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۴۰۱

چاپ ترانه

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۴۴۰-۸

ISBN: 978-622-04-0440-8

[www.qoqnoos.ir](http://www.qoqnoos.ir)

Printed in Iran

## فهرست

پیشگفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۳
نقشه جهان.....	۱۷

### بخش اول: زمینه تاریخی ماجرای واترگیت

دیدگاه اول: مروری بر ماجرای واترگیت، از زمان ورود غیرقانونی تا استعفا.....	۲۲
--	----

ریچارد ام. فلنگن و لوئیس دبلیو. کونینگ

در ژوئن ۱۹۷۲ یک گروه جاسوسی تحت حمایت جمهوری خواهان مخفیانه وارد مجموعه واترگیت شد، ساختمانی که دفاتر حزب دموکرات در آن قرار داشت. دولت نیکسون برای لاپوشانی این ماجرا تلاش زیادی کرد، ولی سرانجام رئیس جمهور مجبور شد استعفا کند.

دیدگاه دوم: خبر ورود غیرقانونی به ساختمان واترگیت.....	۲۹
--	----

آلفرد ای. لوئیس

اولین مقالات راجع به دستگیری پنج مرد به جرم ورود غیرقانونی به دفاتر حزب دموکرات در روزنامه واشینگتن پست منتشر شد. این روزنامه وظیفه پوشش خبری گسترده در مورد تخلفات در سطوح بالا در کاخ سفید را به عهده گرفت. مشاهده نوارهایی روی قفل در راه پله ساختمان واترگیت توسط نگهبان بیست و چهارساله به دستگیری این افراد منجر شد.

دیدگاه سوم: واشینگتن پست از این رسوایی پرده برداشت و کاخ سفید واکنش متقابل نشان داد.....	۳۶
--	----

جی. آنتونی لوکاس

ریچارد نیکسون اغلب می گفت که مطبوعات دشمن اند. وقتی دو خبرنگار جوان واشینگتن پست به بررسی ارتباط بین کاخ سفید و اقداماتی که به منظور ممانعت از محاکمه مجرمان ماجرای واترگیت صورت گرفته بود پرداختند، نیکسون هم واکنش نشان داد.

دیدگاه چهارم: مجلس نمایندگان موضوع استیضاح را بررسی می کند.....	۴۳
---	----

کمیته قضایی مجلس نمایندگان آمریکا

در ژوئیه ۱۹۷۴ کمیته قضایی مجلس نمایندگان اتهاماتی را علیه ریچارد نیکسون، رئیس جمهور وقت، مطرح کرد. کمیته به این نتیجه رسید نیکسون به سوگندی که خورده وفادار نمانده و به کشور آسیب رسانده است.

**دیدگاه پنجم: اعلام استعفای نیکسون ..... ۴۹**

ریچارد ام. نیکسون

رئیس‌جمهور، با این استدلال که منافع ایالات متحده بر خواسته‌های او اولویت دارند، اعلام کرد از مقامش کناره‌گیری می‌کند و وظایفش را به معاونش محول می‌کند.

**دیدگاه ششم: رئیس‌جمهور فورد نیکسون را عفو می‌کند ..... ۵۶**

جرالد آر. فورد

ریچارد نیکسون یک ماه پس از استعفا از سوی جانشینش عفو می‌شود. این بدان معنا بود که هیچ اتهامی را نمی‌توان علیه رئیس‌جمهور پیشین مطرح کرد و نمی‌توان او را به دادگاه کشاند. فورد می‌گوید این عفو از بروز درگیری‌های بیشتر پیشگیری می‌کند.

**بخش دوم: مباحث پیرامونی ماجرای واترگیت**

**دیدگاه اول: واترگیت مجموعه‌ای غیرعادی از جرم‌های بزرگ بود ..... ۶۰**

سَم جی. اروین

دبیرکل هیئت تحقیقات مجلس سنا درباره‌ی ماجرای واترگیت اظهار می‌دارد که این رسوایی از نظر وسعت و شدت اقدامات غیرقانونی بی‌سابقه بوده است. او تأکید می‌کند عطش دولت نیکسون برای تصاحب قدرت به اندازه‌ای بوده که باعث شده قوانین الهی و نیز قوانین کشور را زیر پا بگذارند.

**دیدگاه دوم: نیکسون مستحق برکناری از قدرت بود ..... ۶۸**

باربارا جردن

یکی از اعضای جوان هیئت تحقیق و تفحص مجلس نمایندگان در شرح خلاصه‌ی دعوی در آغاز رسیدگی به موضوع اظهار می‌کند که ریچارد نیکسون برخلاف قانون اساسی و منافع کشور عمل کرده است.

**دیدگاه سوم: رسانه‌ها از نیکسون متنفر بودند و باعث برکناری او شدند ..... ۷۳**

پاتریک جی. بیونکن

یکی از کسانی که پیش از این متون سخنرانی رئیس‌جمهور را می‌نوشت معتقد است هرچند رئیس‌جمهور از قدرتش سوءاستفاده کرده بود، رسانه‌ها و نخبگان سیاسی به کشور زیان بیشتری رساندند. طبق نظر نویسنده اغلب اقدامات آن‌ها از نفعی که از نیکسون داشتند سرچشمه می‌گرفت.

**دیدگاه چهارم: حق مصونیت رئیس‌جمهور برای دموکراسی زیانبار است ..... ۷۸**

رائول برگر

این وکیل و استاد دانشگاه معتقد است حتی رئیس‌جمهور هم حق ندارد — و توجیهی ندارد — که مانع دسترسی به اطلاعات مربوط به موضوع‌های مهم و خطیر شود. در نظام دموکراتیک مردم و قانون‌گذاران باید به همه‌ی واقعیت‌ها و یافته‌ها دسترسی داشته باشند تا بتوانند عاقلانه‌ترین تصمیم را بگیرند.

**دیدگاه پنجم: قانون اساسی به حق مصونیت رئیس‌جمهور اعتبار بخشیده است ..... ۸۲**

مارک جی. رازل

این پژوهشگر سیاست عمومی تأکید می‌کند که رئیس‌جمهور حق دارد برخی از بحث و بررسی‌ها را محرمانه نگه دارد. قانون اساسی ایالات متحده قدرت زیادی از جمله حق

مصونیت رئیس جمهور را به قوه مجریه داده است. اصل تفکیک قوا اگر به درستی اجرا شود، می تواند جلو سوءاستفاده از این امتیاز را بگیرد.

دیدگاه هشتم: «دپ تروت» قهرمان نبود..... ۹۰

جورج پوتنام

این خبرنگار معتقد است منبع خبری روزنامه واشینگتن پست درباره ماجرای واترگیت را که به «دپ تروت» مشهور شد به هیچ وجه نمی توان قهرمان خواند. او می گوید این فرد در موقعیتی قرار داشت که می توانست ماجرای واترگیت را متوقف کند، ولی به دلیل انگیزه های پنهانی ترجیح داد به جای آن به نشت اخبار اکتفا کند.

دیدگاه هفتم: ناشناس ماندن منابع خبری باید محترم شمرده شود..... ۹۳

زاگری کوپل

این خبرنگار تأکید می کند هر چند اطلاعاتی که از منابع ناشناس به دست می آید گاهی گمراه کننده است، به نظر بسیاری از کارشناسان رسانه اتکا به منابع ناشناس گاهی به سود کشور است. «دپ تروت» در واترگیت نمونه ای از این موارد است.

دیدگاه هشتم: عفو نیکسون به نفع کشور بود..... ۹۷

اون توماس

سردبیر پیشین نیوزویک رخدادهایی را که سبب شدند رئیس جمهور فورد برای سلفش ریچارد نیکسون فرمان عفو صادر کند بررسی کرده است. او می گوید بعد از گذشت چند دهه از صدور این فرمان، نظر افکار عمومی تغییر کرده و عده زیادی از تصمیم فورد حمایت می کنند.

دیدگاه نهم: چرا عفو نیکسون اشتباه بود..... ۱۰۳

تیموتی نوآ

به نظر این خبرنگار عفو هر کسی قبل از طرح اتهام کار درستی نیست، و عفو نیکسون به طور خاص سبب شد زمینه ای فراهم شود تا دولت به سبب اقدامات نادرستش بازخواست و مجازات نشود.

دیدگاه دهم: درس های رسوایی واترگیت نباید فراموش شود..... ۱۱۰

الیزابت درو

به نوشته این خبرنگار، حتی بعد از گذشت چند دهه از وقایع واترگیت، هنوز هم این ماجرا اهمیت زیادی دارد، زیرا باعث بروز بحران قانون اساسی ای شد که با موفقیت و مسالمت آمیز حل و فصل شد، و خطرهای قدرت بیش از اندازه را نشان داد. این رخداد در بقای نظام حکومتی ایالات متحده تردید ایجاد کرد.

### بخش سوم: روایت های شخصی

دیدگاه اول: آیا واترگیت «مسئله کوچکی» بوده است؟..... ۱۱۶

ریچارد نیکسون در مصاحبه با دیوید فراست

در مصاحبه ای که سال ۱۹۷۷ صورت گرفته، ریچارد نیکسون می گوید او بعد از ورود غیرقانونی و سرقت از ساختمان واترگیت از این ماجرا خبردار شده و در آن کار دخالتی نداشته است. او بابت این که در دوره بحران صداقت بیشتری به خرج نداده اظهار پشیمانی می کند و این تنها مرتبه ای است که اقرار می کند مقصر بوده است.

دیدگاه دوم: پنهانکاری ماجرای واترگیت تقریباً موفقیت آمیز بود..... ۱۲۵  
جان جی. سیریکا

این قاضی دادگاه کیفری که محاکمه سارقان واترگیت را بر عهده داشته خاطراتش را از زمانی که این پرونده سیاسی به بن بست رسیده بود شرح می دهد. در این حال او نامه ای سر بسته از جیمز مک کورد یکی از متهمان پرونده دریافت می کند که گمان می کرده بخشی از یک صحنه سازی باشد، ولی نامه حاوی مطالب غافلگیرکننده ای بوده است.

دیدگاه سوم: جی. گوردون لیدی در مصاحبه با مجله پلی بوی..... ۱۳۴  
جی. گوردون لیدی در مصاحبه با اریک نوردن

مدیر عملیات واترگیت می گوید در روزگاری که کشور با خطر فعالان چپ گرا روبه روست او حاضر است در صورت لزوم برای حفظ آنچه منافع ایالات متحده می خواند مرتکب قتل شود.

دیدگاه چهارم: دیدار عجیب مشاور کاخ سفید با نیکسون..... ۱۳۹  
جان دبلیو. دین

مشاور رئیس جمهور در دفتر ریچارد نیکسون مشکلات قانونی وخیمی را که کاخ سفید درگیر آن ها شده برای وی توضیح می دهد. نیکسون با هدایت گفتگویشان در مسیری عجیب به او پاسخ می دهد و به نظر می رسد هدفش از این گفتگو محافظت از شخص خودش باشد.

دیدگاه پنجم: دختر نیکسون پدرش را به خاطر شهادتی که به خرج داده ستایش می کند... ۱۴۹  
جولی نیکسون آیزنهاور در مصاحبه با لری کینگ

دختر رئیس جمهور پیشین از طرف پدرش سخن می گوید. او می گوید تجربه واترگیت باعث دلسردی پدرش نشد، ولی از این بابت که باعث سرخوردگی کشورش شده بود احساس ناخشنودی می کرد. او می گوید پدرش هیچ گاه از پای ننشست.

گاهشمار..... ۱۵۲

برای مطالعه بیشتر..... ۱۵۵

نمایه..... ۱۵۷



## پیشگفتار

«تاریخ برای آینده برنامه‌ای به ما نمی‌دهد، اما می‌تواند درکی کامل‌تر از خود ما و طبیعت بشریِ مشترکمان ارائه کند، از این رو بهتر می‌توانیم با آینده مواجه شویم.»

— رابرت پن وارن  
شاعر و داستان‌نویس آمریکایی

در تاریخ هر ملت رویدادهای سرنوشت‌سازی وجود دارد که برای آن ملت در حکم نقطه عطف است و تأثیری فراتر از مرزهای آن دارد. این رویدادها — که دربرگیرنده طیف کاملی از خصایص بشری است، از جمله خشونت، طمع و جهالت، و همچنین رشادت، دلاوری و قدرت — تقریباً همیشه پیچیده است و جنبه‌های مختلفی دارد. دانشجوی تاریخ با مسائل چالش‌برانگیز بسیاری مواجه است، با رویدادهایی مانند جنگ، جنبش‌های اجتماعی و بلایای زیست‌محیطی که دنیا را دگرگون می‌کند. اما درک این رخدادهای مهم تاریخی در صورتی بهتر می‌شوند که از منظرهای گوناگون بررسی شوند؛ بررسی از دیدگاه افرادی که از نزدیک شاهد وقایع بوده‌اند یا از فاصله مکانی و زمانی دور آن را رصد کرده‌اند. این درک با فهم مباحث پیرامونی و کندوکاو در رویدادها و مسائل مهم از زوایای متفاوت بیشتر می‌شود. سرانجام، درک واقعی رویدادهای مهم تاریخی مستلزم اطلاع از تأثیر رویدادها بر انسان — شیوه‌های اثرگذاری این رویدادها بر زندگی روزانه مردم — در سراسر دنیاست.

مجموعه کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» رویدادهای تاریخی دنیا را از قرن بیستم به بعد با ارائه تحلیل و از دیدگاه‌های مختلف بررسی می‌کند. کتاب‌های این مجموعه به دانش‌آموزان، دانشجویان و افراد علاقه‌مند گزیده‌ای از رویدادهای مهم تاریخ ارائه می‌کنند که پیش‌تر منتشر شده است، البته با توجه به گزارش‌های بین‌المللی درباره آن. هر جلد با اطلاعات زمینه‌ای درباره رویداد شروع می‌شود، بعد به مباحث پیرامونی آن می‌پردازد، و با روایت‌های اول‌شخص افرادی به پایان می‌رسد که در صحنه حضور داشته‌اند یا از آن تأثیر پذیرفته‌اند. این مجموعه

می‌تواند با استفاده از منابع اصلی مربوط به زمان رویداد و نیز گزارش‌های مناسب در آن زمینه در شکل‌گیری بحث، کمک به رشد مهارت‌های تفکر نقادانه، افزایش آگاهی از جهان، و افزایش درک چشم‌انداز بین‌المللی از تاریخ مفید باشد.

مطالب از منابع مختلف از جمله نشریات، مجلات، روزنامه‌ها، کتاب‌های غیرداستانی، روایت‌های شخصی، سخنرانی‌ها، شهادت‌ها در مجامع، اسناد دولتی، جزوات، بولتن‌های خبری سازمانی، و مقالات انتخاب شده‌اند. مقالات برگرفته از این منابع به دقت تصحیح شده و برای تهیه متن استفاده شده است. هر جلد از کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» حاوی دیدگاه‌های مختلف درباره رویدادهای پراهمیت دنیاست. بیشتر مطالب از منابع بین‌المللی و منابع آمریکا است که پوشش بین‌المللی وسیعی داشته است.

هر جلد از سری کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» دربرگیرنده موارد زیر است:

- نقشه جهان که نمایی از متن و جغرافیا ارائه می‌کند.
  - فهرست مطالب به شکل توضیحی که خلاصه کوتاهی از هر مقاله تحقیقی در کتاب ارائه می‌کند.
  - مقدمه که خاص موضوع آن کتاب ارائه شده است.
  - برای هر دیدگاه یک معرفی کوتاه درباره مؤلف و منبع نوشتار او با خلاصه‌ای از نکات اصلی ارائه شده است.
  - جداول، نمودارها، نقشه‌ها و دیگر تصاویر مربوطه.
  - کادرهای حاشیه‌ای که اطلاعاتی درباره زندگی افراد محوری و رویدادهای تاریخی می‌دهد یا به توضیح مفاهیم علمی یا فنی می‌پردازد.
  - فهرست اصطلاحات برای تعریف اصطلاحات اصلی مورد نیاز.
  - گاهشماری از رویدادهای مهم قبل، همزمان و بلافاصله بعد از آن.
  - کتاب‌شناسی برای معرفی کتاب‌های بیشتر، نشریات ادواری و وب‌سایت‌ها برای تحقیقات بیشتر.
  - نمایه جامع برای دسترسی به افراد، مکان‌ها و رویدادهای نقل شده در متن.
- «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» برای طیف وسیعی از خوانندگان طراحی شده است، افرادی که می‌خواهند نه تنها درباره تاریخ بلکه درباره رویدادهای جاری، سیاست، حکومت، روابط بین‌المللی، و جامعه‌شناسی بیشتر بدانند — دانش‌آموزان و

دانشجویانی که برای انجام دادن تکالیف یا در مورد بحث‌های کلاسی تحقیق می‌کنند، معلمان و کادر آموزشی که به دنبال مطالب تکمیلی‌اند، و آن‌هایی که می‌خواهند تاریخ را بهتر بفهمند. هر جلد از کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» طوری تدوین شده تا رویدادی پیچیده را توضیح دهد، جرقه بحث را بزند، و دیدگاه بشری پس‌پشت مهم‌ترین رویدادهای جهان در دهه‌های اخیر را نشان دهد.



## مقدمه

واترگیت داستان قهرمانان خطاکار و تبهکاران جذاب است. آن‌ها طبق برنامه، بر اساس شرایط موجود و برحسب تصادف گرد هم آمدند تا یکی از مهم‌ترین حوادث تاریخ آمریکا را رقم بزنند، حادثی که باعث شدند رئیس‌جمهور آمریکا از مقامش استعفا دهد، امری که تا این زمان سابقه نداشت. بازیگران پیدا و پنهان متعددی در این نمایش نقش داشتند.

به گفته بسیاری از تحلیلگران، اگر واترگیت فقط به ورود غیرقانونی به دفاتر حزب دموکرات در ژوئن ۱۹۷۲ محدود می‌شد، امروزه کسی آن را به یاد نمی‌آورد. اگر کمیته انتخاب مجدد رئیس‌جمهور<sup>۱</sup> متعلق به حزب جمهوری‌خواه بلافاصله ارتباطش را با ورود غیرقانونی برخی از عوامل متعصب تأیید و از این بابت عذرخواهی می‌کرد، رسوایی سیاسی گذرابی که رخ می‌داد به تدریج به فراموشی سپرده می‌شد. اما در عوض اصرار بر پنهانکاری سبب شد تا رهبری آمریکا در گرداب فریبکاری گرفتار شود و در نتیجه ثبات و آینده کشور به خطر بیفتد.

اگر شناخت درستی از ساختار قدرت داشته باشیم، بهتر می‌توانیم لاپوشانی و ارتباطات کسانی را که در ماجرای واترگیت نقش داشتند درک کنیم. ریچارد ام. نیکسون در رأس هرم قدرت قرار داشت. نیکسون حقوقدانی بود که در سال ۱۹۴۶ برای اولین بار در انتخابات کنگره پیروز شد و در دو دوره ریاست جمهوری دوایت دی. آیزنهاور (۱۹۵۳-۱۹۶۰) به معاونت ریاست جمهوری رسید و به چهره‌ای برجسته در صحنه سیاسی تبدیل شد. پس از آن نیکسون توانست در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری حزب جمهوری‌خواه سایر رقبایش را کنار بزند و کاندیدای حزب شود، اما در رقابتی نزدیک در مقابل جان اف. کندی شکست خورد. دو سال بعد هم او نتوانست آرای کافی را برای فرمانداری کالیفرنیا کسب کند. اما سرانجام در سال ۱۹۶۸ در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد و در سال ۱۹۷۲ برای بار دوم به این مقام دست یافت. او مردی عملگرا با بینشی فراگیر بود که سبب شد موقعیت آمریکا در برابر دو رقیب

1. the Committee for the Re-election President (CRP)

ابرقدرتش یعنی چین و اتحاد شوروی (روسیه کنونی) بهبود یابد. در ضمن او مردی خسیس، بدگمان و فریبکار بود و دشمنانش او را «دیک حیلہ گر»<sup>۱</sup> می نامیدند. هری رایبیز هالدمن و جان ارلیشمن بعد از نیکسون قدرتمندترین مردان کاخ سفید بودند که با وجود نداشتن تجربه سیاسی از سوی نیکسون منصوب شده بودند. هالدمن مدیر تبلیغاتی و ارلیشمن وکیل بود. آن‌ها با هم دسترسی به رئیس‌جمهور را تحت کنترل داشتند و نیکسون هم در همه مسائل کوچک و بزرگ، قانونی و غیرقانونی به آن‌ها اعتماد کامل داشت. وجود این دو نفر بسیار کارآمد بود. هالدمن با رفتار خشن و مدل موی کوتاه و مردانه‌اش چهره‌ای شبیه مربیان تفنگداران دریایی داشت. با وجود آن‌که ارلیشمن در مسائل سیاسی خلاقیت بیشتری داشت، گاهی اوقات بی‌رحم‌تر و بدبین‌تر به نظر می‌رسید. هنری کیسینجر هم در مقام کارشناس سیاست خارجی هم‌تراز هالدمن بود که سمت مشاور در امور داخلی را داشت، ولی کیسینجر مانند آن دو نفر دیگر از اعضای حلقه داخلی نیکسون به شمار نمی‌آمد و — از شانس خوبش — در قضیه واترگیت چندان درگیر نبود.

در مرتبه پایین‌تر هرم قدرت تعدادی وکیل بودند. وقتی لاپوشانی قضیه ورود غیرقانونی به واترگیت و پنهانکاری‌های مربوطه دشوارتر شد، نیکسون امید زیادی داشت که جان دین مشاور حقوقی کاخ سفید بتواند مسئله را رفع و رجوع کند. جان دین در ابتدا به شدت به رئیس‌جمهور وفادار بود ولی سرانجام علیه او شهادت داد. هربرت دلبیو. کالمباک، وکیل شخصی رئیس‌جمهور، و ریچارد کلاین دینست دادستان کل هم در این توطئه دست داشتند، هرچند شور و اشتیاق کمتری به این کار داشتند. در سال ۱۹۷۲ مرکز نیروهای هم‌پیمان کمیته انتخاب مجدد رئیس‌جمهور بود که ریاستش بر عهده جان میچل دادستان کل سابق بود. نیکسون پس از شکست در انتخابات کالیفرنیا، در نیویورک در همان دفتر حقوقی‌ای کار می‌کرد که میچل مشغول بود. بعد از پیروزی نیکسون در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۹۶۸، میچل هم همراه او به واشینگتن رفت. میچل سرسخت و لجوج وفادارترین یار نیکسون شد. در سال ۱۹۷۲ میچل رئیس ستاد کمیته انتخاب مجدد نیکسون بود، ستادی که بیش از حد معمول پول در اختیار داشت و بعدها معلوم شد که دست‌اندرکارانش هم بیش از حد ماجراجو بوده‌اند. معلوم نیست ورود غیرقانونی به واترگیت به دستور میچل صورت

۱. Tricky Dick، نام مستعاری که هلن گاهگان داگلاس، سیاستمدار دموکرات، در طول رقابت‌های انتخاباتی سنا در سال ۱۹۵۰ به دلیل استفاده نیکسون از حقه‌های کثیف برای کسب رأی به او داد. — م.

گرفته یا او در این باره بی‌تقصیر است، ولی او به پنهانکاری متهم و به ۱۹ ماه زندان محکوم شد. همان دادگاه هالدمن و ارلیشمن را هم محکوم کرد. (هالدمن به ۱۸ ماه و ارلیشمن به ۱۹ ماه زندان محکوم شدند).

جَب استوارت مگرودر معاون میچل بود که سابقه کار در زمینه تبلیغات و بازرگانی داشت. در سال ۱۹۶۹ او به سمت معاون رئیس روابط عمومی کاخ سفید منصوب شد و سپس به کمیته انتخاب مجدد منتقل شد. مگرودر که فردی ملایم و خوش‌برخورد بود تا پیش از آوریل ۱۹۷۳ که به همکاری با دادستان‌های فدرال پرداخت یکی از چهره‌های محبوب دولت به شمار می‌آمد. او با پذیرفتن نقشش در رسوایی واترگیت به هفت ماه زندان محکوم شد.

مگرودر بر کار دو نفری که سرپرست گروه ورود غیرقانونی به واترگیت بودند نظارت مستقیم هرچند سایه‌وار داشت. ای. هاوارد هانت نویسنده و مأمور سابق سازمان اطلاعاتی آمریکا (سیا) و جی. گوردون لیدی، وکیلی که برای اداره تحقیقات فدرال (اف‌بی‌آی) کار می‌کرد، از عوامل کمیته انتخاب مجدد نیکسون بودند. به نقل از نیویورک تایمز، ساموئل اف. هارت، سفیر سابق آمریکا، در مورد هانت گفته بود: «او موجودی کاملاً خودبین و بی‌اخلاق است که هم برای خودش و هم برای اطرافیانش خطرناک است.» لیدی هم آدمی غیرقابل پیش‌بینی و دردرساز بود و طرح‌هایی ارائه می‌کرد که از سناریوهای فیلم‌های سینمایی هم عجیب‌تر بود و همیشه در این طرح‌ها خودش در نقش مأموری خودساخته ظاهر می‌شد. بعد از محاکمه، هانت به سه سال و لیدی به بیش از چهار سال زندان محکوم شدند.

چارلز دلبیو. کولسون هم یکی دیگر از آن آدم‌های دردرساز بود که عنوان شغلی‌اش مشاور ویژه رئیس‌جمهور بود ولی در واقع کارش این بود که با روش‌های غیراخلاقی برای مخالفان نیکسون دردرس درست کند. کولسون یک بار گفته بود که حاضر است برای انتخاب مجدد نیکسون دست به هر کاری بزند. بعد از فاش شدن ماجرای واترگیت، کولسون به جرم ممانعت از اجرای عدالت به هفت ماه زندان محکوم شد.

این‌ها توطئه‌گران اصلی واترگیت بودند — اغلب آن‌ها وکیل بودند، عده‌ای سابقه بازاریابی داشتند، و تقریباً هیچ‌یک از آن‌ها سابقه فعالیت‌های سیاسی نداشتند. وکلایی که در این ماجرا نقش داشتند به خوبی قانون را می‌شناختند و با وجود این به قانون‌شکنی متوسل شده بودند؛ دغدغه آن‌ها پیروی از قانون نبود، بلکه آن‌ها بر ویژگی دیگر این

شغل یعنی وکیل مدافع بودن تأکید داشتند. از نظر آن‌ها هدفشان مهم‌تر از قانون بود. و با وجود آن‌که تأکید داشتند هدفشان رقم زدن بهترین اتفاقات برای کشورشان بود، اما در واقع هدف اصلی‌شان دستیابی به قدرت بوده است.

کسانی که بایست زودتر از این‌ها از انجام شدن این عملیات ممانعت می‌کردند (رؤسای اف‌بی‌آی) به موقع وارد عمل نشدند. ال. پاتریک گری، رئیس وقت اف‌بی‌آی، در برابر فشار کاخ سفید تسلیم شد و اسناد محرمانه واترگیت را از میان برد و پرونده‌های اف‌بی‌آی را به دین سپرد. نفر دوم اف‌بی‌آی، دبلیو. مارک فلت هم که انتظار می‌رفت اداره سازمان را بر عهده داشته باشد، علناً سکوت کرده و به منبع محرمانه اصلی روزنامه واشینگتن پست (معروف به دیپ تروت) تبدیل شده بود که گزارش فوق‌العاده‌ای در مورد واترگیت منتشر کرد.

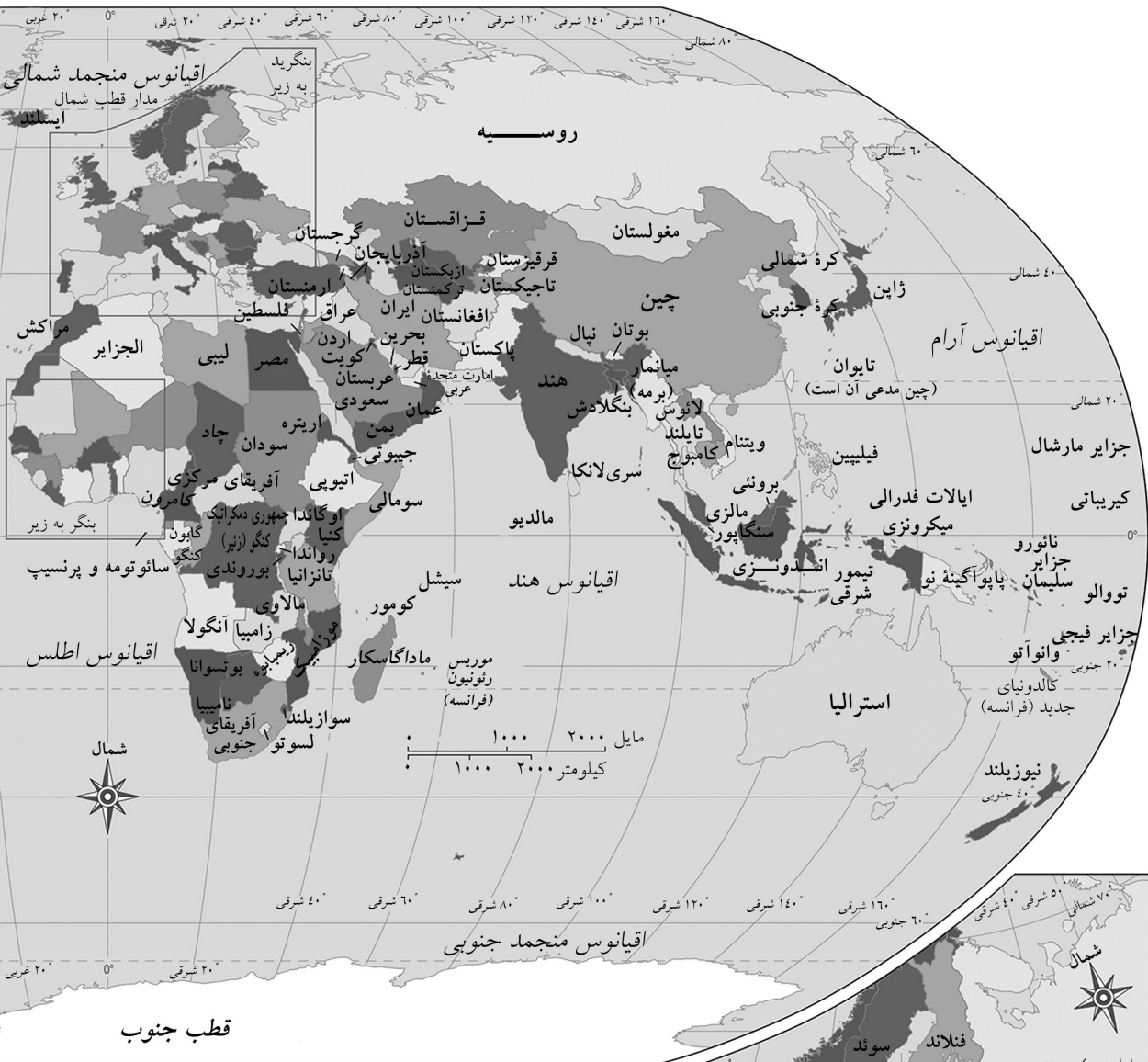
در مقابل آرچیبالد کاکس دادستان ویژه طرف حق را گرفت. او چنان محکم بر موضعش پافشاری کرد که نیکسون مجبور شد اخراجش کند. جان جی. سیریکا قاضی دادگاه فدرال بود که سرسختانه در مقابل قدرت رئیس‌جمهور ایستاد و دادگاه متهمان واترگیت را برگزار کرد. ارل جی. سیلبرت دستیار دادستان بود که بر ادامه پیگرد قانونی اصرار ورزید؛ و سم جی. اروین جونیور رئیس کمیته‌ای بود که سنا برای بررسی ماجرای واترگیت منصوب کرده بود. اروین گاهی با تفرعن، گاه به شکل دوستانه، و بسیار دقیق جلسات رسیدگی را اداره کرد، جلساتی که غالباً از تلویزیون ملی پخش می‌شد.

منتقدان از سرعت روند تحقیقات خرسند نبودند. بین ورود غیرقانونی به واترگیت و زمانی که نیکسون ناچار شد استعفا کند دو سال فاصله افتاد و چهار ماه دیگر هم طول کشید تا همدستان اصلی او محکوم شوند. سپس وقتی جerald فورد بعد از استعفای نیکسون به ریاست جمهوری رسید، قبل از این‌که فرصتی دست دهد تا پای نیکسون به دادگاه کشانده شود، به اسم حفظ مصالح کشور، او را مشمول عفو کرد. منتقدان خواستار محاکمه نیکسون به جرم نقض قانون اساسی بودند.

در این نمایش ملی از عدالت، ترس و سوءاستفاده از قدرت، بیست و پنج نفر به زندان افتادند. در این کتاب دیدگاه‌ها و واقعیت‌هایی در مورد این دوران استثنایی ارائه شده است.



نقشه جهان







بخش اول  
زمینه تاریخی ماجرای واترگیت



## دیدگاه اول

### مروری بر ماجرای واترگیت، از زمان ورود غیرقانونی تا استعفا

ریچارد ام. فلنگن و لوئیس دبلیو. کونینگ<sup>۱</sup>

نویسندگان این بخش معتقدند نیکسون و همراهان جمهوری خواهش به قدری از شکست در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۷۲ وحشت داشتند که به اقدامات نادرست و حتی غیرقانونی متوسل شدند، از جمله ورود غیرقانونی به دفاتر کمیته ملی حزب دموکرات در ساختمان واترگیت. اما این عملیات نافرجام ماند و همه از آن مطلع شدند. تلاش‌های دولت نیکسون برای سرپوش گذاشتن بر این ماجرا و انکار دست داشتن در آن نتیجه عکس داشت. مباحثات روزافزونی درباره این ماجرا در سرتاسر کشور جریان داشت، ولی دولت در برابر پذیرش مسئولیت مقاومت می‌کرد. جلسات متعدد رسیدگی در سنا تشکیل شد و سرانجام کمیته مجلس نمایندگان به استیضاح رئیس‌جمهور رأی داد، ولی پیش از طرح استیضاح، نیکسون از ریاست جمهوری کناره‌گیری کرد. ریچارد فلنگن استاد دینار رشته علوم سیاسی دانشگاه نیویورک است. لوئیس کونینگ استاد رشته علوم سیاسی دانشگاه نیویورک است و کتاب‌های متعددی درباره رؤسای جمهور آمریکا نوشته است.

بزرگ‌ترین رسوایی دوران ریاست جمهوری ریچارد نیکسون سرقت از دفاتر کمیته

ملی حزب دموکرات در مجموعه واترگیت واقع در واشینگتن دی‌سی بود. سارقان در واقع کارمندان کمیته انتخاب مجدد رئیس‌جمهور (مخالفان نیکسون آن‌ها را به مسخره «خزندگان»<sup>۲</sup> می‌خواندند) و تحت نظارت مقامات کاخ سفید بودند. واترگیت به نماد اقدامات دولت نیکسون برای برهم زدن نظام دموکراتیک از طریق انجام دادن عملیات مجرمانه؛ سرکوب آزادی‌های

---

---

عکس صفحه قبل: مجتمع واترگیت شامل دفاتر، آپارتمان‌ها و یک هتل است که در ساحل رودخانه پتوماک در واشینگتن دی‌سی واقع شده است. سرقت از این ساختمان که با انگیزه‌های سیاسی صورت گرفته بود، سرانجام نیکسون را وادار کرد از مقامش کناره‌گیری کند.

(© Blaine Harrington III/Corbis.)

1. Richard M. Flanagan and Louis W. Koenig, *Dictionary of American History*, 3E. Charles Scribner's Sons, 2003, pp. 425-428. Copyright © 2003 by Global Rights & Permissions, a part of Cengage Learning, Inc.  
2. CREEP (CRP: Committe for the Re-election of the President)

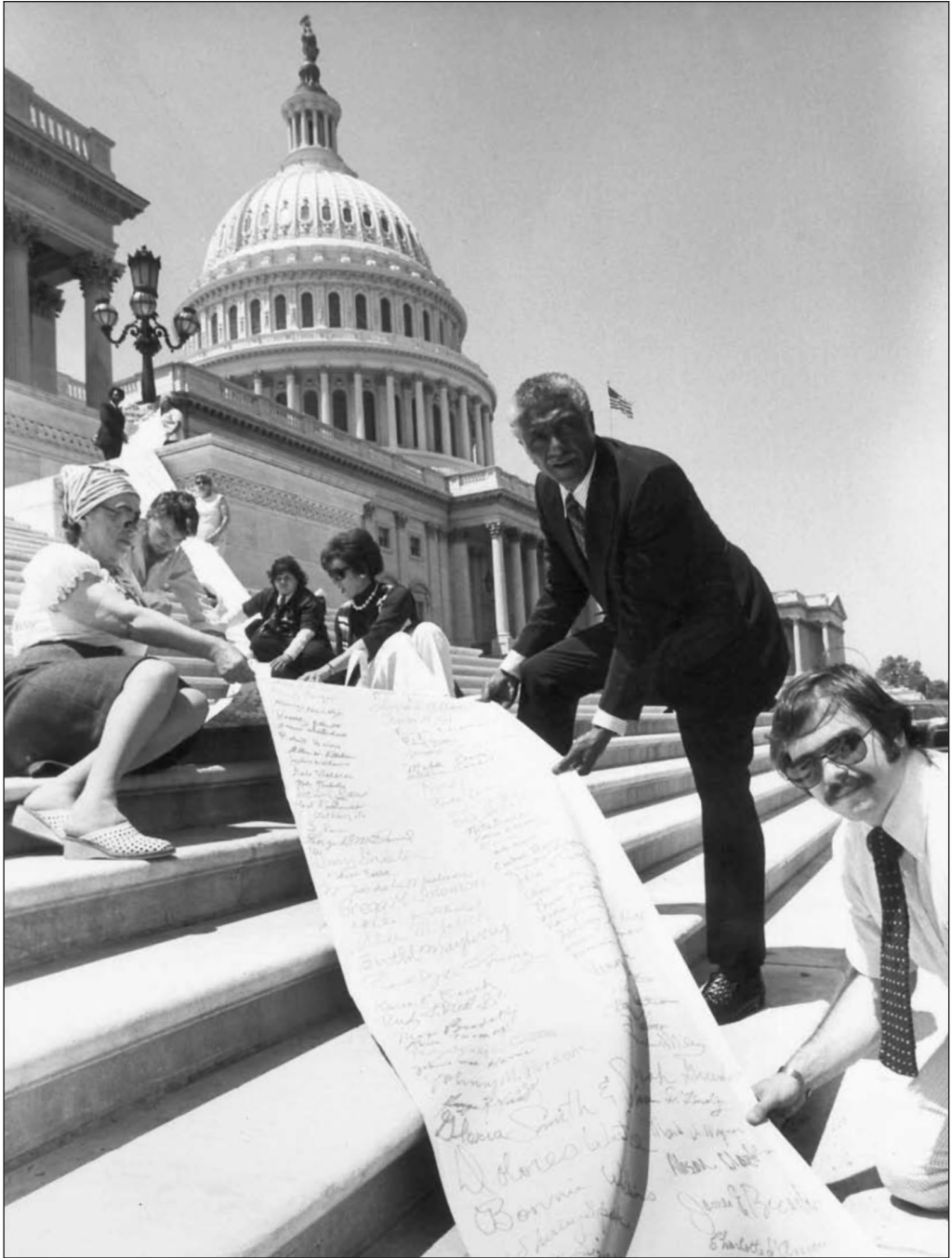
مدنی؛ جنگ داخلی با مخالفان سیاسی از طریق جاسوسی و کارشکنی؛ ممیزی مالیاتی تبعیض آمیز، و به کارگیری سایر روش‌های تحریمی-تنبیهی؛ و تلاش برای ارباب رسانه‌های خبری تبدیل شد. نوار ضبط‌شده گفتگوی رئیس‌جمهور با هالدمن در روز ۲۳ ژوئن ۱۹۷۲ نقش مستقیم نیکسون را در اقدامات پنهانکارانه کاخ سفید برای سرپوش گذاشتن بر ماجرای ورود غیرقانونی به واترگیت ثابت کرد. در این گفتگو نیکسون در مورد برنامه‌ای صحبت می‌کند که طبق آن سازمان سیا باید با اعمال فشار و با این بهانه که تحقیقات بیشتر این سازمان ممکن است تهدیدی برای مسائل محرمانه امنیت ملی به شمار آید مانع تحقیق و تفحص بیشتر افبی‌آی درباره ماجرای واترگیت شود. در ۶ اوت ۱۹۷۴ مکالمات این نوار ضبط‌شده افشا شد و نیکسون روز ۹ اوت ۱۹۷۴ از مقامش استعفا کرد.

### سرآغاز ماجرا

ماجرای واترگیت حاصل ناکامی‌های کاخ سفید در انتخابات کنگره در سال ۱۹۷۰ بود. تظاهرات عظیم ضد جنگی که در سال ۱۹۷۱ در واشینگتن برگزار شد ترس از شکست نیکسون در انتخابات را تشدید کرد. مقامات کاخ سفید این تظاهرات را مانند همان تظاهرات‌هایی می‌دانستند که باعث پایان یافتن دوره ریاست‌جمهوری لیندون جانسون شده بودند. در این جو ناخوشایند، چارلز کولسون، مشاور ویژه کاخ سفید، فهرستی از اسامی دشمنان تهیه کرد که صدها نفر را با دیدگاه‌های گوناگون در بر می‌گرفت. دولت برای مقابله با این تهدیدها، مأموران مخفی استخدام و برنامه‌هایی برای نظارت داخلی تنظیم کرد.

در ماه مه ۱۹۶۹ خبرهای محرمانه‌ای درباره حملات هوایی و بمباران کامبوج بی‌طرف توسط نیروهای آمریکایی به رسانه‌ها درز کرد. پس از آن مکالمات تلفنی خبرنگاران و سپس دستیاران هنری کیسینجر و پس از آن دستیار رئیس‌جمهور در امنیت ملی شنود می‌شدند. در ژوئن ۱۹۷۱ روزنامه نیویورک تایمز و دیگر روزنامه‌ها مطالبی در مورد «اسناد پنتاگون» منتشر کردند. اسناد پنتاگون تحقیقات محرمانه وزارت دفاع در مورد چگونگی تصمیم‌گیری در جنگ ویتنام بود. انتشار این مطالب کاخ سفید را برآشفته کرد. کاخ سفید در واکنش به این اتفاق تعداد عوامل امنیتی‌اش را افزایش داد و یک واحد «لوله‌کشی» برای پیشگیری از «نشست» مطالب تشکیل داد. واحد لوله‌کش‌ها شامل ای. هاوارد هانت، مأمور سابق سیا، و جی. گوردون لیدی دستیار پیشین بازپرس بخش قضایی شهرستان داجس از توابع نیویورک بود. در سپتامبر ۱۹۷۱، هانت





رالف متکالف نمایندهٔ دموکرات از ایالت ایلینویز در مهٔ ۱۹۷۴ از حوزهٔ انتخابی‌اش دادخواستی با بیش از ده‌هزار امضا گردآوری کرد که خواستار استیضاح نیکسون شده بودند.  
(Hulton Archive/Getty Images.)



و سایر عوامل این گروه برای بی اعتبار کردن شخصیت دانیل السبرگ، خبرنگاری که «اسناد پتتاگون» را منتشر کرده بود و همچنین به منظور حصول اطمینان از عدم صدور پیگرد قانونی، به شکل غیرقانونی وارد دفتر لوئیس فیلدینگ، روانپزشک السبرگ، شدند و از تمام مدارک و اسناد عکس گرفتند.

در سه ماهه اول سال ۱۹۷۲ کمیته انتخاب مجدد رئیس جمهور توانست مبالغ قابل توجهی جمع آوری کند، که افراد مختلف شاغل در کاخ سفید از جمله لیدی می توانستند مستقیماً از آن برداشت کنند. در انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری، لوله کش ها و عواملشان به جاسوسی و کارشکنی علیه کاندیداتوری سناتور ادmond اس. ماسکی

در انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری، لوله کش ها و عواملشان به جاسوسی و کارشکنی ... پرداختند.

که آن زمان مهم ترین گزینه حزب دموکرات برای ریاست جمهوری بود پرداختند. وقتی ماسکی در مبارزات انتخاباتی شکست خورد، اقدامات مشابهی علیه دو کاندیدای مطرح دیگر یعنی سناتور هوبرت اچ. هامفری و سناتور جورج مک گاورن، که سرانجام به دور نهایی رقابت رسیدند، صورت گرفت. لیدی و هم دستانش برنامه هایی برای برهم زدن مجمع ملی حزب دموکرات طراحی کردند و با اقداماتی ساختگی تلاش کردند تا کاندیداتوری مک گاورن را به هیپی ها، همجنس گرایان و مخالفان سربازگیری ارتباط دهند. در ژانویه ۱۹۷۲ جان ان. میچل دادستان کل، جان دبلیو. دین مشاور کاخ سفید، و جب استوارت مگرودر دستیار هالدمن رئیس دفتر رئیس جمهور و به عبارت بهتر رئیس کمیته انتخاب مجدد در وزارت دادگستری با هم ملاقات کردند. در این دیدار لیدی طرحی ارائه کرد که به یک میلیون دلار بودجه نیاز داشت تا به نظارت الکترونیک، عکسبرداری از اسناد و مدارک، و سایر اقدامات لازم برای مداخله در انتخابات بپردازد. این طرح به علت هزینه بالای پذیرفته نشد. در ماه فوریه نشست دیگری برگزار شد و لیدی بار دیگر طرحی را پیشنهاد کرد که هزینه کمتری داشت. این طرح تأیید شد. تمرکز این طرح بر شنود مخفیانه گفتگوها در دفاتر کمیته ملی حزب دموکرات در میامی و همچنین دفاتر مربوط به کاندیدای نهایی حزب دموکرات برای ریاست جمهوری بود. اما مهم ترین هدف آن، دفاتر کمیته ملی حزب دموکرات در مجموعه واترگیت در واشینگتن و به خصوص دفتر لارنس اف. اوبراین دبیرکل حزب بود که حرفه ای ترین و مهم ترین رقیب سیاسی به شمار می آمد.

در شب ۲۷ مه ۱۹۷۲، لیدی، هانت و جیمز دبلیو. مک کورد جونپور، یکی دیگر از

مأموران سابق سیا که به گروه لوله‌کش‌ها اضافه شده بود، همراه با گروهی شش نفره — عمدتاً کوبایی‌های تبعیدی ساکن میامی که برنارد ال. بارکر دستیار پیشین هانت رهبری‌شان را بر عهده داشت — روی درهای ورودی دفاتر کمیته ملی حزب دموکرات و تلفن‌های داخل این دفاتر دستگاه شنود کار گذاشتند، تعدادی از اسناد و مدارک را ربودند، و از بقیه عکس گرفتند. تلاش آن‌ها برای ورود به دفتر مرکزی کمیته انتخاباتی مک‌گاورن در واشینگتن بی نتیجه بود. وقتی دستگاه‌های شنود را کنترل کردند، متوجه شدند یکی از ابزار شنود در اولین مرتبه ورود غیرقانونی به خوبی جای گذاری نشده است. به همین دلیل گروه لوله‌کش‌ها روز ۱۷ ژوئن دوباره به دفاتر حزب دموکرات در واترگیت بازگشتند. فرانک ویلز یکی از نگهبانان مجموعه متوجه شد که روی برخی درها نواری چسبانده شده و درها باز مانده‌اند. او نواری را کند. در بازگشت متوجه شد روی درها دوباره نوار چسبانده شده است. با پلیس واشینگتن تماس گرفت و پنج سارق از جمله مک‌کورد دستگیر و بازداشت شدند. در دفترچه تلفن دو نفر از سارقان شماره تلفن هاوارد هانت در کاخ سفید یافت شد که اولین نشانه از دخالت کاخ سفید در این ورود غیرقانونی بود.

### پنهانکاری

از همان زمان پنهانکاری‌ها شروع شد (و هیچ‌گاه پایان نیافت). برای از بین بردن شواهد ارتکاب جرم، ممانعت از انجام شدن تحقیقات و، مهم‌تر از همه، جلوگیری از انتشار اخبار این رسوایی که ممکن بود به شخص رئیس‌جمهور برسد، لاپوشانی‌های زیادی صورت گرفت. نیکسون در ۲۹ اوت در اولین سخنرانی عمومی‌اش درباره ماجرای واترگیت اعلام کرد جان دبلیو. دین مشاور کاخ سفید «تحقیقات جامعی درباره همه سرخ‌های موجود انجام داده» و به این نتیجه رسیده که «هیچ‌یک از کارکنان کاخ سفید در این ماجرا دخالت نداشته‌اند». دین در واقع خودش هماهنگ‌کننده پنهانکاری‌ها بود. همه اتهامات هانت و چهار سارق دیگر ثابت شد و گناهکار شناخته شدند؛ مک‌کورد و لیدی به دادگاه کشانده شدند و روز ۳۰ ژانویه ۱۹۷۳ در دادگاه فدرال به ریاست قاضی جان جی. سیریکا محکوم شدند. در تمام طول مدت دادگاه، سیریکا بارها گفت که در این ماجرا افراد دیگری به غیر از این هفت نفر دخالت داشته‌اند. روز ۲۳ مارس سیریکا نامه‌ای را منتشر کرد که مک‌کورد برای او نوشته و اذعان کرده بود مقامات بالاتر کاخ سفید و کمیته انتخاب مجدد رئیس‌جمهور در این ماجرا نقش داشته‌اند، و متهمان تحت فشار قرار گرفته‌اند تا به گناهشان اقرار کنند، و این که در دادگاه شهادت دروغ داده شده است. رئیس‌جمهور بارها و بارها نقش کاخ سفید و کمیته انتخاب

مجدد رئیس‌جمهور را در ماجرای واترگیت انکار کرد. اما هم در دادگاه کیفری که برای همکارانش برگزار شد، هم در تحقیقات کمیته‌ای که سنا برای بررسی ماجرای واترگیت تشکیل داده بود (و ریاستش بر عهده سم اروین بود)، هم در تحقیقاتی که از سوی کمیته قضایی مجلس نمایندگان از کارکنان کاخ سفید صورت گرفت و هم در نوارهای ضبط‌شده گفتگوهای کاخ سفید که جنبه‌های خاصی از دخالت رئیس‌جمهور را نشان می‌داد، در درستی ادعاهای نیکسون تردید ایجاد شد.

دین در مقابل کمیته تحقیقات واترگیت سنا اعلام کرد رئیس‌جمهور به هانت وعده عفو داده و گفته: «برای جمع‌آوری یک میلیون دلار یا بیشتر که برای ساکت کردن هانت و دیگر متهمان لازم است مشکلی ندارد.» رئیس‌جمهور در سخنرانی ۳۰ آوریل ۱۹۷۳

دستیاران کاخ سفید و مقامات وزارت دادگستری پی‌درپی استعفا می‌کردند و علیه ایشان اعلام جرم می‌شد، محکوم می‌شدند... و به زندان می‌افتادند.

تلویحاً «مسئولیت» ماجرای واترگیت را پذیرفت، ولی هر گونه اطلاع داشتن از آن یا دست داشتن در پنهانکاری‌شان را انکار کرد. دستیاران کاخ سفید و مقامات وزارت دادگستری پی‌درپی استعفا می‌کردند و علیه

ایشان اعلام جرم می‌شد، محکوم می‌شدند (از جمله میچل، دین، هالدمن، و جان دی. ارلیشمن)، و به زندان می‌افتادند. هیئت‌منصفه عالی در بررسی ماجرای واترگیت نام شخص نیکسون را در فهرست کسانی که علیه آن‌ها اعلام جرم نشده و در واقع همدست شرکای جرم بوده‌اند قرار داده بود و دیوان عالی آمریکا اجازه این کار را داده بود. پیگیری‌های مستمر آرچیبالد کاکس، دادستان ویژه واترگیت، سرانجام نیکسون را وادار به اخراج او کرد. الیوت ریچاردسون دادستان کل و ویلیام راکلس‌هاوس معاون دادستان کل هم دستور نیکسون را نپذیرفتند و استعفا کردند. رابرت اچ. بورک دادستان کل جدید کاکس را اخراج کرد و لئون جاورسکی جانشین کاکس شد. درخواست‌های مکرر جاورسکی و کمیته قضایی مجلس نمایندگان که طرح استیضاح رئیس‌جمهور را مد نظر داشت در مورد تحویل نوارهای ضبط‌شده و سایر شواهد و مدارک بی‌جواب مانده بود. یکی از اتهاماتی که برای طرح استیضاح مطرح شده بود این بود که عملکرد رئیس‌جمهور در ماجرای واترگیت و همچنین ایجاد گروه لوله‌کش‌ها و اقدامات دیگر وی مصداق جلوگیری از اجرای عدالت و عدم اجرای قانون است. روز ۹ اوت ۱۹۷۴، نیکسون که خود را با استیضاح روبه‌رو می‌دید از مقام ریاست‌جمهوری استعفا کرد. در ۸ سپتامبر ۱۹۷۴، جرالد آر. فورد، جانشین نیکسون، او را از تمام جرم‌هایی که در دوران

تصدی مقام ریاست جمهوری «به آن مبادرت ورزیده یا احتمالاً در آن‌ها مشارکت داشته» عفو کرد.

ریچارد نیکسون از زمان استعفایش از مقام ریاست جمهوری تا زمان مرگش در آوریل ۱۹۹۴ تمام تلاشش را به کار بست تا خودش را از زیر سایه سنگین رسوایی واترگیت بیرون بکشد. از نظر بسیاری از آمریکایی‌ها پذیرش عفو فورد از سوی نیکسون تأییدی بر گناهکار بودن وی به شمار می‌آمد. نیکسون در برابر انتشار اسناد و نوارهای ضبط شده مقاومت کرد. او بعد از استعفایش هم در مجامع عمومی به انتقادهای قانونی و اخلاقی و اقدامات صورت گرفته توجه چندانی نشان نمی‌داد و در عوض به مسائل سیاسی‌ای که به استعفایش منجر شده بود می‌پرداخت. در سال ۱۹۹۰ کتابخانه ریچارد نیکسون به همت خیرین در زادگاهش یوربا لیندای کالیفرنیا افتتاح شد. ولی اسناد رسمی ریاست جمهوری طبق فرمان کنگره در دفتر ملی بایگانی و مدارک آمریکا در مریلند نگهداری می‌شد. پس از مرگ نیکسون نوارها در اختیار عموم قرار می‌گرفت و معلوم شد شخص نیکسون تا چه اندازه در ماجرای واترگیت دخالت داشته و تا چه حد مجرم بوده است.

### خبر ورود غیرقانونی به ساختمان واترگیت

آلفرد ای. لوئیس<sup>۱</sup>

مردم اولین بار از طریق گزارش روزنامه واشینگتن پست، که در زیر آمده، از تلاش دولت نیکسون برای جاسوسی از حزب دموکرات مطلع شدند. در این مقاله جزئیات زیادی درباره ورود غیرقانونی به ساختمان واترگیت در واشینگتن دی سی و دستگیری پنج نفر از جمله یکی از کارکنان سابق سازمان سیا در این ماجرا آورده شده است. متهمان حدود ۲,۳۰۰ دلار پول نقد به شکل اسکناس‌های ۱۰۰ دلاری و همچنین تجهیزات جاسوسی به همراه داشتند. اولین بار یکی از مأموران جوان امنیتی ساختمان متوجه شد که قفل درها با نوارچسب باز نگه داشته شده‌اند و موضوع را به پلیس اطلاع داد. گزارش اصلی در این بخش آورده شده است. آلفرد ای. لوئیس در پنجاه سالی که خبرنگار واشینگتن پست بوده بیش از ۱۵,۰۰۰ مقاله نوشته که اغلب آن‌ها مربوط به فعالیت‌های پلیس می‌شود.

به گفته مقامات مسئول، ساعت ۲:۳۰ بامداد روز گذشته پنج مرد از جمله یک کارمند سابق سازمان اطلاعاتی آمریکا در جریان نقشه‌ای استادانه برای کار گذاشتن ابزار شنود در کمیته ملی حزب دموکرات دستگیر شدند.

سه نفر از آن‌ها کوبایی تبار بودند و گفته می‌شود یکی دیگر از آن‌ها هم بعد از عملیات خلیج خوک‌ها در سال ۱۹۶۱ به کوبایی‌های تبعیدی عملیات پارتیزانی آموزش می‌داده است. آن‌ها در طبقه ششم ساختمان مجلل واترگیت، به آدرس شماره ۲۶۰۰ بزرگراه ویرجینیا شمال غرب، جایی که کمیته ملی حزب دموکرات کل طبقه را در اختیار دارد، به دست سه مأمور پلیس لباس شخصی دستگیر شدند.

در ابتدا معلوم نبود که چرا این پنج مظنون می‌خواسته‌اند در دفاتر کمیته ملی حزب دموکرات ابزار شنود کار بگذارند.

در ابتدا معلوم نبود که چرا این پنج مظنون می‌خواسته‌اند در دفاتر کمیته ملی حزب دموکرات ابزار شنود کار بگذارند و به چه گروه و سازمان و افرادی وابسته‌اند.

1. Alfred E. Lewis, "5 Held in Plot to Bug Democrats' Office Here," *Washington Post*, June 18, 1972, p. 1. Copyright © 1972 by Washington Post.

یکی از سخنگوهای کمیته ملی حزب دموکرات گفت اسنادی که در آن دفاتر نگهداری می‌شوند حاوی «مدارک حساس» نیستند، هرچند شامل «مدارک مالی و اطلاعاتی از این قبیل» می‌شوند.

پلیس گفته دو قطعه از سقف دفتر دوروتی وی. بوش، دبیر حزب دموکرات، برداشته شده است.

دفتر او در مجاورت دفتر لارنس اف. اوبراین دبیرکل حزب دموکرات قرار دارد. شاید می‌خواسته‌اند از دفتر بوش به شکلی از طریق قطعات سقف به دفتر اوبراین دسترسی پیدا کنند.

آن پنج نفر در دفتر کوچک آپارتمانی که در این اداره مرکزی قرار دارد در حالی دستگیر شدند که همگی دستکش‌های جراحی به دست داشتند.

پلیس گفته این افراد دست کم دو وسیله پیشرفته دریافت و انتقال مکالمات از جمله مکالمات تلفنی به همراه داشته‌اند. علاوه بر این، آن‌ها وسایلی برای باز کردن قفل و تقریباً ۲,۳۰۰ دلار پول نقد به همراه داشتند که اغلب آن‌ها به شکل اسکناس‌های ۱۰۰ دلاری با شماره سریال‌های متوالی بوده است.

از این مردان یک دستگاه واکی تاکی (گیرنده امواج کوتاه که قابلیت دریافت مکالمات پلیس را دارد)، ۴۰ حلقه فیلم خام دوربین، دو دوربین فیلمبرداری ۳۵ میلیمتری و سه اسلحه شلیک گاز اشک‌آور که به اندازه قلم بود به دست آمد.

نزدیک محل دستگیری ایشان در دو کمد نگهداری پرونده‌ها باز شده بود که به نظر می‌رسد آن‌ها قصد عکسبرداری از محتویات آن را داشتند.

### شناسایی پنج مظنون

دیروز در دادگاه یکی از مظنون‌ها گفت که «ضدکمونیست» هستند و بقیه هم به نشانه تأیید سرشان را تکان دادند. اِرل جی. سیلبرت دادستان دادگاه این عملیات را «حرفه‌ای» و «پنهانی» توصیف کرد. واشینگتن پست پی برده است که یکی از این افراد کوبایی تبار در حال حاضر در میامی به قفل‌سازی اشتغال دارد.

بسیاری از ابزارهایی که در دفاتر کمیته ملی حزب دموکرات یافت شده‌اند مانند ابزار سرقت بسته‌بندی شده بودند.

پنج نفر شناسایی شده عبارت‌اند از:

- ادوارد مارتین، با نام مستعار جیمز دلبیو. مک‌کورد، از شهر نیویورک و احتمالاً